

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «راه خروجی نیست»

دوری رو به خویشتن



مریم مومن، بازیگر:

تئاتر هنر مقدسی است

از جذابیت نقش و نمایشنامه که سبب ساز این همکاری شد بگویید.

به نظر من وجود نام ژان پل سارتر به عنوان نویسنده اثر، خود گویای همه چیز است اما در مورد جذابیت این نقش می‌توانم بگویم که شخصاً نبود هیچ‌گونه پیش زمینه‌ای در مورد این کاراکتر و اینکه هیچ پاتکسی ندارد و معلوم نیست از کجا آمده و به نوعی یک کلی‌گویی در مورد این کاراکتر صورت گرفته برایم چالش برانگیز بود و بدین ترتیب خلق این کاراکتر از نقطه صفر، بر عهده خود من بود. در واقع در مورد این کاراکتر حتی نمی‌دانیم که آیا واقعاً با دو کاراکتر دیگر در جهنم است یا اینکه خودش شکنجه‌گر آن دواست. فضا سازی ذهنی که باید برای این نقش می‌داشتیم نیز برایم بسیار جذاب بود بخصوص که من زمان و مکان حیات او را زندگی نکرده و مشاهده‌اش نکرده‌ام. فکر می‌کنم خیلی عجیب است که در مورد چهره کاراکتر، نوع بیان و ادبیاتش و تمام مسائل دیگرش چیزی ندانم اینکه آیا این کاراکتر به نوعی برای بار دوم متولد شده است تا این اتفاقات را رقم بزند؟! یا اینکه مرده است. سبک این نمایش در عین حال که ما دیالوگ‌ها را به شدت رئالیستی بیان می‌کنیم سورئال است و ما باید با ایده و خلاقیت خودمان با این کاراکترها مواجه می‌شدیم و برداشتی که ما می‌توانستیم از هر دو جهان این کاراکترها که ممکن است دو جهان موازی با هم باشند داشته باشیم به نظر من خیلی جذاب بود.

از اهمیت بازیگری تئاتر در رشد حرفه‌ای خودتان به عنوان یک بازیگر بگویید.

تئاتر به نظر من هنر مقدسی است و هر بازیگری احتیاج دارد حداقل در سال چند کار تئاتری انجام بدهد. فکر می‌کنم که فعالیت در تئاتر تجربه‌ای بسیار عجیب است وقتی شما با تماشاگری مواجه می‌شوید که روبرویتان ایستاده و شما را نقد و یا تشویق می‌کند و به عنوان بازیگر از همین نقدها و تشویق‌ها انرژی زیادی می‌گیرد. فکر می‌کنم تئاتر لازمه هر بازیگری است که هدفش بازیگری است و می‌خواهد این مسیر خیلی جدی و حرفه‌ای دنبال کند. البته این نظر من و کاملاً سلیقه‌ای است اما امیدوارم که امکان بازی در نمایش‌های بیشتری برایم ایجاد شود و بتوانم نمایش‌های جذاب بیشتری کار کنم

باز خورد مخاطبان را چگونه دیدید؟

تا جایی که من دیدم مخاطبان انرژی خیلی خوبی به ما دادند و جاهایی که ما در صحنه خیلی خوب بودیم حاصل انرژی آنهاست. وقتی مخاطب در لحظه و همراه با یگر می‌خندد، بغض و گریه می‌کند و به عنوان بازیگر می‌توانید از تباط چشمی با مخاطب داشته باشید حس می‌کنیم که موفق شده‌اید و بازیگری هستی که می‌توانید روی مخاطب تأثیر بگذارید. همانطور که مخاطب هم با انرژی‌اش روی ما تأثیر می‌گذارد و فکر می‌کنم غیر از تئاتر و کنسرت در هیچ جای دیگری به چنین حالتی روبرو نمی‌شویم.

از تفاوت‌ها و چالش‌های بازیگری تئاتر به نسبت بازی در سینما و تلویزیون بگویید.

به نظر من هم تئاتر و هم سینما جذابیت و چالش‌های خاص خودشان را دارند و هر کدام به نوبه خود جذاب هستند اما چون مصاحبه در مورد تئاتر است دوست دارم بیشتر راجع به تئاتر بگویم. مثلاً اینکه در تئاتر گاهی پیش می‌آید مخاطبی به هر دلیلی چالش‌هایی برای گروه اجرایی ایجاد می‌کند چرا که همیشه، همه مخاطبان دوست دار بازیگران و یا اجرا نیستند و ممکن است مخاطبی

متن‌های سارتر معمولاً فلسفه محور هستند حال این فلسفه یا در قالب یک داستان رئالیستی مطرح می‌شود و یا مثل نمایش شما فضایی سورئال دارد. کاراکتری که شما ایفا می‌کنید نیز یک کاراکتر از جهان ماورا، فانتزی و ساخته ذهن نویسنده است و شما یک ژست بدنی مخصوص برای این کاراکتر در نظر گرفته‌اید. لطفاً در این مورد و اینکه گریم چه تأثیری روی این نقش بردازی دارد بگویید.

همان‌گونه که گفتید متن‌های سارتر این ویژگی‌ها را دارند و این متن خاص نیز یک فضای غیر واقعی دارد و موضوع و مفهومی که مطرح می‌کند به آن فلسفه اگزیستانسیالیسم سارتر برمی‌گردد، همینطور به فضای ابزورد آثار سارتر که بعدها نویسندگان دیگر آن را گسترش دادند و نمایشنامه‌ها و آثار بسیار در این زمینه نوشته شد. حتی برخی اعتقاد دارند که اساساً این فضای ابزورد از آثار سارتر آغاز شده است. من فکر می‌کنم که این کاراکتر فانتزی است البته که در متن یک نفر به عنوان گارسون معرفی می‌شود ولی ما بنا بر اینکه متن فرانسوی زبان است طی گفت‌وگو و صحبت‌هایی که با دوستان داشتیم به این ایده رسیدیم که یک بازیگر به عنوان گارسون دوم بخاطر حفظ وفاداری به زبان اصلی متن به زبان فرانسه صحبت کند و گارسون دیگر ترجمه کند تا واسطه‌ای بین آن فضای ماورایی و دنیا واقعی ما باشد. در برداشتی که از متن داشتیم و در مورد فضای ابزورد و آن موقعیت‌های کمیک و فضای پوچی که وجود دارد به این کاراکتر رسیدیم. ما در تمرین‌ها به این تعامل دو طرفه بین دو کاراکتر گارسون رسیدیم و چون خانم پگاه مرادی که نقش گارسون فرانسوی زبان را بازی می‌کند قد کوتاه‌تری دارند من هم بر اساس فیزیک ایشان و در ترکیب این دو کاراکتر به این نتیجه رسیدم که این ژست بدنی خمیده برای این کاراکتری که بازی می‌کنم مناسب است البته که گریم هم به این فضای فانتزی و این جنس بازی خیلی کمک می‌کند. این کاراکترها در جایی ساده لوح هستند و در جای دیگر خیلی سریع با اتفاقات همراه می‌شوند و در واقع افرادی هستند که فقط به وظایف خودشان عمل می‌کنند. آنها سال‌هاست که آن در سنگین اتاق را

در سالن باشد که اساساً از نحوه کار شما لذت نمی‌برد و یا اینکه شما را دوست ندارد و حتی قصد اذیت داشته باشد در این شرایط بازیگر و گروه اجرایی باید آن مخاطب را تحمل کنند اما در چنین چالش‌هایی بازیگر باید این توانایی را داشته باشد که موقعیت را نجات دهد و در بحث اجرا هم گاهی ممکن است دیالوگی در لحظه فراموش شود و حال به عنوان یک بازیگر باید این توانایی را داشته باشید که صحنه را مدیریت کنید تا وقفه و سکوت ناگهانی ایجاد نشود. بنابراین فکر می‌کنم که بازیگران باید توانایی نشان دادن واکنش‌های درست در لحظه را داشته باشند تا مخاطب اذیت نشود و تا جایی که ممکن است کاری کنیم که مخاطب خسته نشود چرا که تئاتر مثل فیلم نیست که اگر مخاطب از فیلم خوشش نیاید خیلی راحت سالن سینما را ترک می‌کند و ترک کردن سالن تئاتر توسط مخاطب حس بسیار بدی است اما خدا را شکر اتفاقات خیلی خوبی از این جهت برای ما افتاده است.

جمشید حسینی، بازیگر:

گریم به این جنس بازی خیلی کمک می‌کند

چه چیزی باعث شد این نقش را بپذیرید؟

من بنا بر همان زمینه فعالیت در تئاتر با آقای طاها محمدی دوستی قدیمی و دیرینه‌ای داشتم و با هم کار کرده بودیم و زمانی که این پروژه را به من پیشنهاد کردند و در مورد نقش صحبت کردیم بنا به ویژگی و شرایط خاصی که نقش داشت برایم جذاب شد و تصمیم گرفتم که تجربه‌اش کنم. در حال حاضر سعی می‌کنم حتماً سالی یک تئاتر کار کنم و برایم بسیار جذاب است چرا که به عنوان یک بازیگر خیلی به ما کمک می‌کند که به روز باشیم. همینطور در تمرینات مربوط به تئاتر در بدن بیان و مواردی که برای بازیگری لازم است بیشتر می‌توانیم آن آمادگی لازم به دست آوریم. علاوه بر این گروه اجرای این نمایش نیز یک تیم خوب و یک دل هستند و همه این‌ها باعث شد که این نقش را بپذیرم.